

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

بحث ما قبل از دهه محرم راجع به این مطلب بود که در موارد شك، آیا دلیل غیر علمی و دلیل ظنی حجیت دارد؛ اصل و قاعده اولی در این مسئله چیست؟ مطالبی را مطرح کردیم و به اینجا رسیدیم که در این بحث، باید مقداری خود حجیت را تفسیر کنیم که به چه معناست؟ مرحوم شیخ در کتاب رسائل حجیت را به معنای اسناد الی الشارع بیان کرد و مرحوم آخوند خراسانی با این تفسیر مخالفت کردند؛ بر کلام مرحوم شیخ مجموعاً دو نقض وارد شد که ما هر دو را جواب دادیم. مرحوم آخوند نیز در تفسیر حجیت فرمودند: حجیت عبارت است از منجزیت و معذرت. ولی ما به این نتیجه رسیدیم که جمع بین این دو معنا اشکالی ندارد.

دلیل حرمت تعبد به ظن در حجیت به معنای اسناد الی الشارع

در بحث امروز این نکته را اول عرض کنیم که اگر حجیت را به معنای اسناد الی الشارع قرار دادیم، آن وقت دلیل بر این که در موارد شك در حجیت، اصل حرمت تعبد به ظن هست، همان دلیلی است که دلالت بر حرمت تشریع دارد. و لذا، مرحوم شیخ در کتاب رسائل بحث را به وادی تشریع بردند؛ زیرا، طبق تعریف ایشان، چیزی را که نمی‌دانیم شارع فرموده یا نه، اگر اسناد به شارع دهیم، از مصادیق تشریع می‌شود. و به همین جهت، ایشان از راه ادله حرمت تشریع مسئله را مطرح فرموده‌اند. اما مرحوم آخوند در کفایه اصلاً به این مسئله اشاره نکردند، وجهش نیز این است که ایشان حجت را به معنای منجزیت و معذرت می‌داند و این اثر در فرضی است که ما علم به تکلیف داشته باشیم، اما جایی که علم نداریم و یا شك داریم که شارع دلیلی را حجت قرار داده است یا نه؟ برای عدم ترتب آثار حجیت - منجزیت و معذرت - کافی است. لکن، از آنجا که به نظر ما هر دو راه درست است، با مسئله تشریع کار داریم. و باید این را مورد بررسی قرار دهیم.

بیان مرحوم نائینی در مورد تشریع

مرحوم محقق نائینی اعلی الله مقامه الشریف در صفحه 123 به بعد از جزء سوم فوائد الاصول، چهار مطلب در مورد تشریع مطرح فرموده که مناسب است به آنها اشاره کنیم. مطلب اول می‌فرمایند: تردیدی نیست در این که تشریع قبح عقلی دارد؛ اما آیا این تشریعی که دارای قبح عقلی است، می‌تواند دارای حکم مولوی شرعی هم باشد؟ از عبارات مرحوم شیخ در رسائل استفاده میشود مانعی ندارد که تشریع دارای قبح عقلی، دارای خطاب مولوی شرعی هم باشد؛ شارع نیز بفرماید: هر کسی تشریع را انجام

دهد عقابش می‌کنم. اما مرحوم نائینی می‌فرمایند از عبارات مرحوم آخوند استفاده می‌شود که در باب تشریع، دیگر خطاب مولوی شرعی نداریم؛ و اگر شارع، در این موارد خطابی داشته باشد، خطاب مولوی نیست و بلکه خطاب ارشادی است.

اگر در قرآن یا در سنت دلیلی دلالت بر حرمت تشریع داشته باشد، عنوان ارشادی دارد؛ شبیه آنچه که در باب «[أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ](#)»، مخصوصاً در [أَطِيعُوا اللَّهَ](#) که همه قائل هستند به اینکه عنوان ارشادی دارد. ایشان می‌گویند در باب تشریع هم مسئله همینطور است. اینجا اولاً بحث این است که کدام يك از این دو نظریه درست است؛ خود مرحوم نائینی نظریه مرحوم شیخ را ترجیح می‌دهد و می‌فرماید: حق با مرحوم شیخ است؛ به دلیل این که ما دو نوع احکام عقلیه داریم، يك احکام عقلیه واقعه در سلسله علل، و دوم احکام عقلیه واقعه در سلسله معلولات. توضیح این که هر حکمی، يك علل، و يك معلولاتی دارد؛ علل همان ملاکات است که شارع به خاطر آن این حکم را انشاء فرموده است؛ مثل ظلم که در سلسله علل واقع می‌شود. اما عناوینی مثل اطاعت و معصیت بعد از این است که شارع حکمی را انشاء فرموده باشد؛ یعنی عنوان اطاعت و معصیت از عناوینی است که در رتبه معلول قرار گرفته است. حال، ایشان می‌فرمایند: قبح تشریع مربوط به سلسله علل است، و در این صورت، مثل قبح ظلم که عقل آن را ادراک می‌کند، می‌باشد. مانعی ندارد در چنین مواردی که عقل مستقلاً خودش حکمی دارد، شارع نیز در چنین مواردی خطاب مولوی داشته باشد.

در بحث‌های قبل به مناسبت، این بحث را گفتیم که در ذهن مشهور این مطلب هست که اگر در موردی عقل مستقلاً خودش حکمی داشت و شارع نیز در اینجا حکم داشته باشد، این حکم ارشادی می‌شود. مرحوم نائینی می‌فرمایند: نه، اگر حکم عقل از احکام عقلیه‌ی واقعه در سلسله ملاکات و علل احکام باشد، اینجا شارع می‌تواند يك خطاب مستقل مولوی داشته باشد. در باب ظلم، مسئله همینطور است. گاه شارع می‌گوید ربا را نگیر لآنکه ظلم، این کار را انجام نده لآنکه ظلم، حق مردم را پایمال نکن لآنکه ظلم؛ مصادیق و احکام زیادی داریم که ظلم به عنوان ملاک و علت است، عناوینی که در سلسله علل واقع هستند چه اشکال دارد که شارع نیز آنها را قبیح اعلام کند؟

در مقابل، عناوینی که در سلسله معلولات واقع می‌شود، عقل می‌گوید اطاعت خدا واجب است، یا می‌گوید معصیت مولا قبیح است، حال اگر در آیه‌ای یا در روایتی بیان شد که معصیت خدا نکنید، می‌گوییم این خطاب، خطاب مولوی نیست و بلکه خطاب ارشادی است. به نظر ما، این فرمایش مرحوم نائینی، فرمایش تامی است؛ یعنی ما نمی‌توانیم بگوئیم هر جا عقل مستقلاً دارای حکمی بود، آنجا دیگر خطاب مولوی شرعی نداریم؛ نه، اگر در سلسله علل باشد، خطاب مولوی می‌تواند داشته باشد. بنابراین، اصل بیان مرحوم نائینی درست است، اما این که ایشان به مرحوم آخوند نسبت می‌دهند که ایشان قائل هستند در مورد قبح تشریع خطاب مولوی نداریم، و اگر خطابی باشد، خطاب ارشادی است، ما از عبارت **کفایه** چنین مطلبی را استفاده نمی‌کنیم.

مطلب دوم این است که آیا در باب قبح تشریع، قبح به خود آن عمل متشرع به سرایت می‌کند؟ تشریع عبارت است از این که چیزی را به شارع اسناد دهیم و عملی انجام شود در حالی که مکلف نمی‌داند آیا شارع آن را فرموده است یا نه؟ این اسناد به شارع می‌شود عنوان تشریع؛ اما آیا این عمل متشرع به نیز قبیح می‌شود؟ مثلاً نعوذ بالله بگوئیم بین نماز صبح و ظهر، در وسط روز، دو رکعت نماز به عنوان مستحب وارد شده است. سؤال این است که آیا خود این دو رکعت نماز نیز قبیح می‌شود یا این که قبح تشریع به این عمل سرایت نمی‌کند؟ مرحوم نائینی می‌فرماید: از کلام مرحوم آخوند استفاده می‌شود که قبح تشریع به عمل متشرع به سرایت نمی‌کند؛ اما از عبارت مرحوم شیخ در **وسائل** استفاده می‌شود که قبح تشریع به عمل متشرع به سرایت می‌کند.

- البته اینکه در مطلب قبل گفتیم از عبارت آخوند در **کفایه** این مطلب استفاده نمی‌شود، بعید نیست که این نسبت را مرحوم نائینی به اعتبار **حاشیه رسائل** داده باشند. به هر حال، ایشان می‌فرماید آخوند قائل است به اینکه قبح تشریع به عمل متشرع به

سرایت نمی‌کند؛ اما از عبارت شیخ انصاری استفاده می‌شود که قبح تشریع به عمل متشرع به سرایت می‌کند. می‌فرماید: مرحوم شیخ عبارتی دارد که می‌گوید **المحرم هو العمل بغير العلم متعبداً به محرم** این است که ما عمل کنیم و متعبد به آن عمل هم بشویم. مرحوم نائینی نیز همین نظر را می‌پسندد و می‌فرمایند: ظاهر این است که وقتی می‌گوییم تشریع حرام است یا قبیح، اینطور نیست که بگوییم فقط نفس اسناد حرام است، بلکه آن عملی را که انجام می‌دهیم نیز عنوان حرام پیدا می‌کند. به دلیل این که دواعی و قصد از اموری است که جهات حسن و قبح را تغییر می‌دهد؛ اگر فعلی را قصد کنیم که همینطوری انجام دهیم، قبیح نیست؛ اما همین فعل و با همین خصوصیات، را اگر اسناداً الی الشارع بخواهیم انجام دهیم، عنوان قبیح پیدا می‌کند. این هم مطلب دومی که مرحوم نائینی فرموده است. آن دو مطلب دیگر را ان شاء الله فردا عرض می‌کنیم. والسلام.